

مسئولیت کیفری به کارگیری وسایل بدون سرنشین خودکار از دید حقوق بین الملل بشردوستانه

بهزاد سیفی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷

نشریه علمی آفاق امنیت / سال سیزدهم / شماره چهل و نهم - زمستان ۱۳۹۹

چکیده

توسعه و به کارگیری سامانه‌های رباتیک و افزایش استقلال آنها زمینه به کارگیری این تسلیحات را در مخاصمات مسلحانه فراهم کرده است. در این بین، وسایل بدون سرنشین خودکار، که بدون درنگ و بدون کنترل کاربر انسانی حمله به اهداف را انجام می‌دهد، در مورد مسئولیت کیفری فرد و رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه نگرانی‌های جدی به وجود آورده است. در همین راستا برخی از سازمان‌های غیردولتی، خواستار ممنوعیت کامل توسعه، تولید و استفاده از تسلیحات خودکار هستند. این نوشته با تکیه بر مفهوم کنترل معنی‌دار انسان و تأکید بر حضور انسان در تمام مراحل، از ایجاد تا به کارگیری وسیله خودکار در زمان مخاصمه مسلحانه، سعی در حل چالش مسئولیت کیفری داشته است. بنابراین در صورت نقض قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه، مسئولیت کیفری فردی و حتی مسئولیت مشترک تمام افراد مرتبط با آنها از قبیل برنامه‌نویس، طراح، رزمندگان و فرماندهان مطرح می‌شود. از این رو به کارگیری این نوع وسایل بدون کنترل و یا نظارت انسان ممنوع بوده و نمی‌توان به‌طور کامل نقش فرد را در به کارگیری وسایل خودکار، انکار کرد. در نهایت مفهوم کنترل معنی‌دار انسان به برقراری پیوند فرد با این نوع وسایل منجر می‌شود، که در صورت وقوع نقض قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه مسئولیت کیفری فرد مرتبط با این نوع وسایل محرز خواهد بود.

واژگان کلیدی

مسئولیت کیفری، وسایل بدون سرنشین خودکار، حقوق بشردوستانه، جنگ

مقدمه

نوآوری در حوزه فناوری، همواره نقش بسیار مهمی در زندگی بشر داشته است. سامانه‌های بدون سرنشین رباتیک نمونه‌ای از فناوری‌های نوین است که توسعه آنها در چند سال گذشته افزایش یافته، و روند کلی به سمت استقلال آنها از انسان در حرکت است. به‌گونه‌ای که بسیاری از مفسران اظهار کرده‌اند که «جنگ‌های قرن بیست‌ویکم با استفاده از سامانه‌های تسلیحاتی «کنترل از راه دور»^۱ و «خودکار»^۲ صورت خواهد گرفت» (اسپارو^۳ و لوکاس^۴، ۲۰۱۶: ۴۹). عموماً وسایل بدون سرنشین یا ربات، وسایلی هستند که از طریق مرکز کنترل هدایت می‌شود، و عملکرد آنها در زمینه‌های مختلف از جمله حمله به هدف و یا هر فعالیت دیگری از طریق فرد یا افراد کنترل‌کننده، صورت می‌گیرد (بائی^۵، ۲۰۱۱: ۱۲۰). مهم‌ترین طبقه‌بندی «وسایل بدون سرنشین»^۶ بر مبنای درجه کنترلی است که مستقیماً توسط فرد کنترل‌کننده اعمال می‌شود و می‌توان آنها را به سه دسته زیر تقسیم کرد:

۱. سامانه‌های تحت کنترل انسان^۷: سلاح‌های رباتیکی هستند که از راه دور توسط انسان کنترل می‌شود.
۲. سامانه‌های تحت نظارت انسان^۸: سلاح‌های رباتیکی هستند که می‌تواند فرایند هدف قرار دادن را مستقل از فرمان کنترل‌کننده انجام دهد؛ اما کاربر ناظر می‌تواند تصمیم به حمله را لغو کند.
۳. سامانه‌های خودکار^۹: سلاح‌های رباتیکی هستند که می‌تواند جستجو، شناسایی، انتخاب، و حمله به اهداف را بدون درنگ و بدون کنترل و نظارت کاربر انسانی انجام دهد (مزلر^{۱۰}، ۲۰۱۳: ۶).

قابلیت این نوع فناوری‌ها موجب نگرانی‌های جدی و بیم و هراس در میان حقوقدانان بین‌المللی و متخصصان نظامی شده و مشروعیت اخلاقی و حقوقی استفاده از چنین سامانه‌هایی را با ابهام روبه‌رو کرده است. همان‌طور که «یعقوب کلنبرگر»^{۱۱}، رئیس سابق

-
1. Remote Control
 2. Autonomous
 3. Sparrow
 4. Lucas
 5. Boothby
 6. Unmanned Vehicle
 7. Human-controlled systems
 8. Human-supervised systems
 9. Autonomous systems
 10. Melzer
 11. Kellenberger Jakob



«کمیته بین‌المللی صلیب سرخ»^۱، اظهار کرد: «لازمه به کارگیری سامانه کاملاً خودکار، که مبتنی بر هوش مصنوعی است، رعایت و اجرای حقوق بین‌الملل بشر دوستانه است. با وجود این استقرار چنین سامانه‌ای به یک تغییر «چارچوب فکری بنیادی»^۲ و تغییر کیفی عمده در رفتارهای خصمانه منجر می‌شود، که موجب بروز طیف وسیعی از مسائل اساسی حقوقی، اخلاقی و اجتماعی در مورد این گونه سامانه‌ها است» (آسارو،^۳ ۲۰۱۲: ۹۶۱).

درواقع نهادهای بسیاری معتقدند که به کارگیری این نوع تسلیحات به نقض حقوق بشر دوستانه منجر می‌شود و برای ممنوعیت آنها تلاش زیادی کرده‌اند. برای نمونه در سال ۲۰۰۹ «کمیته بین‌المللی کنترل تسلیحات رباتیک»^۴، فراخوان ممنوعیت توسعه و استفاده از سلاح‌های خودکار را داد. در حال حاضر نیز این کمیته، ترویج، توسعه، به کارگیری و استفاده از سامانه‌های تسلیحاتی خودکار مسلح را ممنوع اعلام کرده و تقاضا کرده است که دولت‌ها نباید به ماشین‌آلات اجازه تصمیم به کشتن را بدهند (کامنت^۵، ۲۰۱۵: ۱۳۱۸). علاوه بر این، در سال ۲۰۱۲، «دیده‌بان حقوق بشر»^۶ و «مؤسسه حقوق هاروارد»^۷، بیانیه‌ای صادر، و توصیه کردند که تمام کشورها نسبت به منع توسعه، تولید و استفاده از سلاح‌های کاملاً خودکار از طریق اقدامات بین‌المللی دیده‌بان حقوق بشر و اسناد حقوقی اقدام کنند (اچ. آر. دلبلیو^۸، ۲۰۱۲: ۴۲). هم‌چنین گزارشگر ویژه «کریستوف هینز»^۹ به «شورای حقوق بشر»^{۱۰} توصیه کرد، «کشورها امتحان، تولید، مونتاژ، انتقال، کسب، استقرار و به کارگیری ربات‌های خودکار کشنده را تعلیق کنند» (هینز، ۲۰۱۳).

با وجود این، به‌رغم نگرانی‌های نهادهای مختلف، به‌نظر می‌رسد بررسی این قبیل تسلیحات در دو مرحله صورت می‌پذیرد. در مرحله اول باید سلاح را در پرتو ماده ۳۶ «پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو»^{۱۱} مورد بحث و بررسی قرار داد و در مرحله دوم نیز باید سلاح را در پرتو ماده ۳۵ «پروتکل الحاقی اول و سایر اصول بنیادین حقوق بشر دوستانه مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. درخصوص مرحله اول، دیده‌بان حقوق بشر توصیه می‌کند که «بررسی سامانه‌های

1. International Committee of the Red Cross, (ICRC).
2. Paradigm
3. Asaro
4. International Committee for Robot Arms Control, (ICRAC).
5. Comment
6. Human Rights Watch, HRW.
7. Harvard Law School
8. HRW
9. Christof Heyns
10. Human Rights Council
11. Geneva Protocol I 1977 Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949.

تسلیماتی خودکار باید در ابتدایی‌ترین مرحله ممکن صورت پذیرد و در تمامی مراحل توسعه ادامه یابد» (اشمیت^۱، ۲۰۱۳: ۳۲). ماده ۳۶ پروتکل الحاقی اول، در مورد هر سلاح جدیدی اعمال می‌شود. طبق این ماده «دولت‌ها باید ممنوعیت‌هایی که در حقوق بین‌الملل بشردوستانه و دیگر معاهدات تسلیماتی وجود دارد را درخصوص تسلیمات جدید مورد بررسی قرار دهند». علاوه‌براین، تعهد به بررسی تسلیمات در ماده ۳۶ شامل تعهد به بررسی روش‌های جنگی نیز هست. از همین‌رو دولت‌ها ضمن ارزیابی ماهیت ذاتی سلاح، به ارزیابی چگونگی استفاده از سلاح نیز ملزم هستند (بائبی، ۲۰۰۹: ۳۳۴). درواقع، با فرض مشروعیت یک سلاح، به‌کارگیری آن نیز باید با اصول بنیادین حقوق بشردوستانه منطبق باشد (آندرسون^۲، ۲۰۱۴: ۳۹۸). نکته مهم دیگری که از ماده ۳۶ استنباط می‌شود، این است که نیروهای مسلح نباید بدون مجوز، در سلاح‌های خود تغییری ایجاد کنند یا آن را برای اهدافی مورد استفاده قرار دهند که سلاح‌های مذکور برای آن منظور ساخته نشده است. با وجود این، در صورتی که شرایط تاکتیکی به‌گونه‌ای باشد که نیروهای مسلح فرصتی برای کسب مجوز نداشته و برای انطباق با شرایط غیرمعمولی صحنه نبرد مجبور به استفاده از سلاح بنا به ابتکار خود باشند، آن‌ها باید از همان اصول کلی مندرج در بند ۱ ماده ۳۵ پیروی کنند (پ. و.، پل مالرب، ۱۳۸۷: ۳۲۶ - ۶۶). واضح است ماده ۳۵ مکمل ماده ۳۶ است. در واقع اگر به هر علتی بررسی تسلیمات براساس ماده ۳۶ پروتکل الحاقی صورت نگرفت، ماده ۳۵ محدودیت‌های لازم را برای این تسلیمات در عرصه عمل وارد می‌کند. در نتیجه، ضروری است که «به تجزیه و تحلیل وسایل بدون سرنشین با توجه به استفاده عادی و مورد انتظار از آنها پردازیم» (ورسچورن^۳، ۲۰۱۳: ۴۹).

در واقع، براساس «بند اول ماده ۳۵، حق طرف‌های مخاصمه در انتخاب شیوه‌ها و وسایل جنگی نامحدود نیست و براساس بند دوم همان ماده، به‌کار بردن سلاح‌ها، پرتاب شونده‌ها و مواد و شیوه‌های جنگی از نوعی که منجر به وارد آوردن صدمات بیش از حد و درد و رنج غیرضروری می‌شود، ممنوع است». معمولاً غیرقانونی بودن سلاح، با به‌کارگیری آن در زمینه‌ای خاص تعیین می‌شود. از این‌رو، اگر مشخص شود که سلاحی موجب صدمات اضافی و موجب درد و رنج بی‌پهوده و غیرضروری در تمام زمینه‌ها می‌شود، استفاده از چنین سلاحی برای همیشه غیرقانونی خواهد بود. در این باره «کمپته بین‌المللی صلیب سرخ اعلام کرده است که این ممنوعیت به‌عنوان قاعده حقوق بین‌المللی عرفی در هر دو

1. Schmitt
2. Anderson
3. Verschuren



درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی قابل اجرا است» (هاتان^۱، ۲۰۱۵: ۱۰۴۳).

مسلماً توسعه و به‌کارگیری سلاح‌های جدید به‌واسطه قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بین‌الملل عرفی محدود شده است. واضح است که توسعه فناوری تسلیحات و ایجاد ارتش‌های پیشرفته اغلب با اصول بنیادین حقوق بشردوستانه در تضاد است. اما حقوق بین‌المللی بشردوستانه غالباً برای حل موضوع تلاشی نمی‌کند، بلکه در تلاش است که یا از به‌کارگیری سلاح‌های خاص جلوگیری کند و یا به‌منظور حذف یا حداقل کاهش اثرات بدون تفکیک و مخرب آنها، شیوه به‌کارگیری این تسلیحات را محدود و قاعده‌مند کند.

«دیوان بین‌المللی دادگستری»^۲ در رأی مشورتی مشروعیت تهدید یا استفاده از تسلیحات هسته‌ای اظهار داشت که حقوق بین‌المللی بشردوستانه بر فناوری‌های تسلیحاتی جدید اعمال می‌شود.^۳ با وجود این قابلیت کاربرد حقوق بین‌المللی بشردوستانه بر سامانه‌های جدید نباید ما را گمراه و متقاعد کند که هیچ ضرورتی برای تحلیل‌های حقوقی میانه‌رو و کامل وجود ندارد. موضوعات حقوقی مربوط به فناوری‌های جدید صرفاً به‌واسطه اعمال اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه و تعهد به اجرای بازنگری ابزارها و روش‌های جدید، هنوز حل نشده‌اند (هینگ^۴، ۲۰۱۱: ۱۸۲).

بنابراین دولت‌ها در مرحله دوم، باید به ارزیابی انطباق سامانه‌های تسلیحاتی خودکار با اصول بنیادین حقوق بشردوستانه - منع ممنوعیت درد و رنج زائد و بیهوده، تفکیک، تناسب و ضرورت نظامی - بپردازند که دارای ماهیت عرفی و معاهده‌ای است؛ هم‌چنین براساس «شرط مارتنز»^۵ که می‌تواند دولت‌ها را به چنین اقدامی ملزم کند» (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۲۰۰۶: ۱۶ - ۱۷). براساس این شرط، در نبود هر دو نوع مقررات، وسیله بدون سرنشین باید در پرتو اصول انسانیت و وجدان عمومی مورد بررسی قرار گیرد. درنهایت، باید توسعه هر سلاحی که نتواند با الزامات حقوقی انطباق یابد، متوقف و از سرمایه‌گذاری در مورد آن جلوگیری شود (قاسمی، ۲۰۱۴: ۲۶)، زیرا پیامد سرمایه‌گذاری و به‌کارگیری چنین وسایلی، نقض مواد ۳۵ و ۳۶ و سایر اصول بنیادین حقوق بشردوستانه است، و مسئولیت کیفری افراد به‌کارگیرنده این وسایل را در پی خواهد داشت.

1. Hattan

2. International Court of Justice

3. Legality of the threat or use of nuclear weapons, Advisory Opinion (1996) ICJ 226,254, 259, 262.

4. Heinegg

5. Martens Clause

روشن است، سامانه‌های تسلیحاتی بدون سرنشین، به‌ویژه تسلیحات خودکار، مسئولیت کیفری فرد و هنجارهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه را با چالش روبه‌رو می‌کند، به‌ویژه زمانی که سامانه‌های تسلیحاتی خودمختار به‌عنوان عامل اصلی در نظر گرفته شود، به‌گونه‌ای که «افراد و دولت‌ها را قادر کند که از پذیرش مسئولیت به‌کارگیری آنها در جنگ پرهیز کنند» (وایت^۱، ۲۰۰۸: ۲۰۵ - ۲۰۶). درواقع، این نگرانی که به‌کارگیری سامانه‌های تسلیحاتی خودکار به‌خلاف مسئولیت کیفری منجر می‌شود، یکی از دلایلی است که سازمان‌های غیردولتی خواستار ممنوعیت کامل توسعه، تولید و استفاده از آنها هستند (اچ. آر. دلبیو، ۲۰۱۵). این سازمان‌ها بر این باورند، اگر سامانه‌های تسلیحاتی خودکار اهداف را بدون تعامل انسان انتخاب کنند، دیگر نمی‌توان فرد را مسئول اشتباهات بالقوه و یا ناقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه دانست (شورای مشورتی در امور بین‌المللی^۲، ۲۰۱۵: ۲۷). دیدبان حقوق بشر با این سؤال نگرانی خود را در مورد مسئولیت به‌کارگیری سلاح‌های خودکار مطرح می‌کند: «اگر کشتار توسط سلاح خودکار انجام شود... چه کسی مسئول است. این سازمان اعلام کرده است، در صورت ارتکاب فعل نامشروع توسط سلاح خودکار، هیچ راه عادلانه و مؤثری برای طرح مسئولیت علیه آن وجود ندارد، چرا که اعطای کنترل کامل به این تسلیحات، حمایت‌های مربوط به غیر نظامیان را به‌هنگام هدف‌گیری تضعیف می‌کند» (اشمیت، ۲۰۱۳: ۳۳). مسلماً، براساس مواد ۴ و ۸ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها^۳، در برابر اقدامات ارگان‌های دولتی، می‌توان به مسئولیت بین‌المللی دولت به‌کارگیرنده این تسلیحات استناد کرد. به‌علاوه طبق ماده ۶۱ پروتکل الحاقی اول، دولت متخاصم به‌واسطه رفتار ارتكابی افراد متعلق به نیروی نظامی خود مسئول است. بنابراین، به‌رغم اینکه وسایل خودکار افراد نظامی دولت استفاده‌کننده تلقی نمی‌شود، اما اقدامات این ربات‌ها به دولتی که نیروهای مسلح آن، از آنها استفاده کرده‌اند قابل انتساب است. باوجود این، به‌نظر می‌رسد که بررسی و اثبات مسئولیت کیفری فردی همانند مسئولیت دولت به‌راحتی میسر نباشد. لذا، این مختصر در پی پاسخ به سؤالاتی از این قبیل است: چه کسی مسئول جنایت بین‌المللی ارتكابی توسط وسیله خودکار است؟ فرمانده، برنامه‌نویس، تولیدکننده و یا خود ربات؟ الگوی تفکر حقوقی برای تأسیس چنین مسئولیتی چیست؟ اگر ربات‌های خودکار جایگزین نقش افراد در جنگ شوند، در صورتی که اشتباهی رخ دهد، مسئولیت بر عهده چه کسی خواهد بود؟ درواقع هدف از این تحقیق، بررسی و تبیین مسئولیت کیفری فردی ناشی از به‌کارگیری

1. White

2. Advisory council on International affairs

3. Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001.



وسایل بدون سرنشین خودکار در اثر نقض احتمالی حقوق بشردوستانه است.

مبانی مسئولیت وسایل بدون سرنشین و عدم پذیرش مسئولیت وسیله خودکار

هدف اصلی مسئولیت، اطمینان از به کارگیری تمام ابزارها و روش‌های مورد استفاده در درگیری‌های مسلحانه منطبق با حقوق بین‌المللی بشردوستانه است. اصل بر این است، هر رفتار متخلفانه بین‌المللی که به نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه منجر می‌شود، باید تحت پیگرد و مجازات قرار گرفته شود. حتی اگر «تصمیم» به ارتکاب جرم و جنایت توسط ماشین و براساس برنامه‌ها و الگوریتم^۱ صورت گرفته باشد و یا به فرمان کاربر انسانی اجرا شده باشد (مزگر و کاستر^۲، ۲۰۱۶: ۴۵). با وجود این، در بحث طرح مسئولیت در ارتباط با وسایل بدون سرنشین، باید بین آنهایی که تحت کنترل انسان هستند و آنهایی که خودکار هستند، تفکیک قائل شد.

به‌طور کلی، در زمینه مسئولیت ناشی از اقدامات «وسایل بدون سرنشین مسلح»^۳، چهار نظر ارائه شده است. افرادی هم‌چون «ماتیاس»^۴ و «اسپارو» معتقدند که نمی‌توان انسان را به‌واسطه رفتار ربات خودکار مسئول قلمداد کرد. براساس نظریه دوم که افرادی چون «هلستروم»^۵، «آسارو» و «والاچ»^۶ بر آن پافشاری می‌کنند، ربات‌ها نیز ممکن است روزی، آن هم تنها در زمینه برخی رفتار خود مسئول تلقی شوند. «کرن کوویچ»^۷، «پرسون»^۸ و «کوروکلو»^۹ معتقد به «مسئولیت مشترک» میان ربات‌ها و انسان‌ها هستند و نظریه چهارم که حمایت صاحب‌نظرانی هم‌چون «ناگن بورگ»^{۱۰}، «مارینو»^{۱۱}، «تامبورینی»^{۱۲}، «چوپرا»^{۱۳} و «وایت» را به‌دنبال دارد، همواره انسان‌ها را در برابر رفتار ربات‌ها مسئول قلمداد می‌کنند. به‌نظر می‌رسد رویکرد چهارم که بیشتر حقوقدانان از آن پیروی می‌کنند، آسان‌تر قابل پذیرش باشد (رنجیریان و بذار، ۱۳۹۷: ۷۶ - ۷۷).

با وجود این، استدلال شده است که مسئول قلمداد کردن انسان، به‌علت نقض حقوق بشردوستانه و ارتکاب جنایت جنگی توسط دستگاه خودکار، ناعادلانه است؛ در صورتی که

1. Algorithm
2. Kuster
3. Military Unmanned Vehicles
4. Matthias
5. Hellstrom
6. Wallach
7. Crnkovic
8. Persson
9. Curuklu
10. Nagenborg
11. Marino
12. Tamburrini
13. Chopra



چنین استدلالی، به افزایش به‌کارگیری و خطرات ناشی از حملات غیرقانونی با ربات‌های قاتل منجر می‌شود (گیت^۱، ۲۰۱۶: ۴۴). به همین دلیل، برخی از طرح مسئولیت وسایل خودکار سخن می‌رانند که می‌توان آن را الگوی مسئولیت مستقیم نامید. اما به‌منظور طرح مسئولیت کیفری علیه وسیله خودکار، به دو عنصر مادی و عنصر روانی جرم نیاز داریم. باین‌حال، بعید است تاکنون وسیله خودکاری ایجاد شده باشد که دارای عنصر روانی باشد (هالوی^۲، ۲۰۱۱: ۲۰۷ - ۲۱۰). علاوه بر این هنوز آنها به اندازه کافی توسعه نیافته‌اند. بنابراین از درک هر نوع مسئولیت در ارتباط با خود، و درک یا اقدام به رفتار مؤثری در آینده ناتوان هستند (اچ. آر. دلبلیو، ۲۰۱۲). در واقع، حتی اگر این فرض پذیرفته شود که ربات‌های جنگی اصولاً موجودات بسیار باهوشی هستند، به این سبب که نمی‌توان «قصد درونی» آنها را فرض کرد، تلقی هر نوع مسئولیت که متضمن نوعی مجازات برای آنها باشد، اشتباه است و این اساساً به این دلیل است که نمی‌توان ربات‌ها را با توسل به قوانینی که برای انسان‌ها وضع شده، مورد رسیدگی و مجازات قرار داد (رنجبریان و بذار، ۱۳۹۷: ۷۶ - ۷۷). هم‌چنین با فرض دارا بودن عنصر روانی، مجازات دستگاه به‌علت سوء رفتار و یا نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه بیهوده است، و این کار نه‌تنها به احساس پشیمانی منتهی می‌شود، بلکه حساسیت اخلاقی را نیز به‌منظور جلوگیری از تکرار سوء رفتار در ربات ایجاد نمی‌کند (اسپارو، ۲۰۰۷: ۷۲).

علاوه بر این، صاحب‌نظران هنوز تردید دارند که چنین سامانه‌های تسلیحاتی خودکاری وجود داشته باشد. باین‌حال، بر فرض وجود چنین وسیله‌ای، و ارتکاب نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه توسط آن، طبق حقوق کیفری مسئول تلقی کردن خود دستگاه امکان‌پذیر نیست، و فرض این است که این کار، اقدامی انسانی است (گیت، ۲۰۱۶: ۴۵). پس، این فکر که ربات باید مسئول اقدامات ناشی از نقض حقوق بشردوستانه باشد، فکری کاملاً پوچ و بی‌اساس است و به‌رغم حمایت برخی دانشمندان از این نوع مسئولیت، حتی اگر وسایل بدون‌سرنشین در آینده کاملاً خودکار باشد، هنوز هم انسان در فرایند تصمیم‌گیری حضور دارد. ضمن اینکه، هیچ قاعده و معاهده‌ای تاکنون این نوع از مسئولیت را تحت پوشش قرار نداده است (قاسمی، ۲۰۱۴: ۴۲ - ۴۳).

بی‌شک رباتی که عقل سلیم، درک، شعور و اخلاق ندارد، نمی‌تواند مسئول اقدامات خود باشد؛ مقوله مسئولیت‌پذیری و مجازات ناشی از نقض احتمالی قواعد بشردوستانه، تأثیر بسزایی در جلوگیری از نقض قواعد بشردوستانه دارد؛ ضمن اینکه حقوق بین‌الملل معاصر،

1. Gaeta
2. Hallevy



موارد نقض آشکار حقوق بین الملل بشردوستانه را بدون کیفر باقی نخواهد گذاشت. بی شک افزایش حضور و نظارت انسان، تا حدودی به حل مسئله مسئولیت نیز کمک خواهد کرد (شریفی طرازکوهی و صیادنژاد، ۱۳۹۹: ۵۶۷). بنابراین لازم است ناقضان اصول و قواعد اساسی بشردوستانه، شناسایی شوند و به سزای رفتار سلبی یا ایجابی خود برسند.

مسلماً، پاسخ معمول به چشم انداز علم رباتیک، بدون پذیرش مسئولیت و کنترل فرد، امکان پذیر نیست. به قول «سینجر»^۱، پاسخ همیشه نه، است. به گونه ای که ما همیشه فردی را در مرکز کنترل داریم. اما موضوع حضور فرد در حلقه تصمیم گیری، به اندازه کافی شفاف نیست و روشن نیست که تا چه میزان می تواند کنترل و نظارت متناسب با مسئولیت را فراهم آورد. با وجود این، به رغم ابهام در وجود ربات خودکار، غیرمنصفانه است که نقش و مسئولیت فرد را برای اقدامات چنین رباتی، نادیده بگیریم (گروت^۲، ۲۰۱۳: ۱۴). البته در سامانه های نیمه خودکار و داری فناوری سطح پایین، کاربرهای انسانی به عنوان عامل اصلی بیشتر مورد سوءظن واقع می شوند. نمونه آن، انهدام دلخراش پرواز ایرانی ۶۵۵ به وسیله ناو جنگی امریکایی «وینسنس»^۳ است. سامانه حمایتی ناو وینسنس که به منظور حمایت و دفاع از کشتی در مقابل حملات هوایی طراحی شده بود، در ۳ جولای ۱۹۸۸، هواپیمای مسافربری ۶۵۵ را به عنوان جنگنده اف ۱۴ ثبت کرد؛ در حالی که بنابر شواهد، باید غیرنظامی بودن هواپیمای ۶۵۵ محرز بوده باشد؛ اما هیچ یک از افراد مستقر بر عرشه ناو وینسنس، مایل به تقابل با درایت رایانه ناو نبودند، و شلیک به هواپیمای غیرنظامی، به کشته شدن ۲۹۰ مسافر منجر شد. چنانکه «سینجر» اظهار داشت، سامانه های حمایتی خودکار، برای برخورد با آسمانی پر از غیرنظامیان در خلیج فارس طراحی نشده اند؛ بلکه برای هدایت جنگ علیه حملات بمب افکن های شوروی در آتلانتیک شمالی طراحی شده اند. نمونه دیگر از انحراف وسایل خودکار، در طول اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ رخ داد، که موشک های پاتریوت، دو هواپیمای متعلق به ائتلاف را به عنوان راکت های عراقی شناسایی و پایین انداختند (گروت، ۲۰۱۳: ۱۶).

در همین راستا، نگارنده بر این نظر است در کنار رد مسئولیت وسیله خودکار، مفهوم «کنترل معنی دار انسان»^۴ بر سلاح، در قانونی بودن سلاح خودکار و ایجاد مسئولیت کیفری، نقش کلیدی ایفا می کند. با وجود نبود توافق بین المللی در تعریف این مفهوم، طرفداران و مخالفان افزایش استقلال بر این نظرنده که در فرایند انتخاب و تعیین اهداف

1. Singer
2. Grut
3. USS Vincennes
4. Meaningful human control



توسط وسایل خودکار به میزان خاصی از کنترل انسان نیاز است، تا بتوان آنها را به عنوان سلاح مورد پذیرش قرار داد. در واقع کنترل انسان می‌تواند تضمینی برای گنجاندن ملاحظات اخلاقی و حقوقی در فرایند هدف‌گیری قبل از اقدام باشد. علاوه بر این، این کار به ایجاد مسئولیت افراد در مورد سلاح خودکار و تحت کنترل انسان منجر می‌شود. بر این اساس مفهوم کنترل معنی‌دار انسان، مسیر را برای امکان کنترل، پاسخگویی و مسئولیت کیفری مهیا می‌کند (هورویتز^۱ و اسچار^۲، ۲۰۱۵: ۸). در واقع، هدف اصلی کنترل معنی‌دار انسان رویارویی با چالش خلاء پاسخگویی است که با حضور انسان، امکان دارد شخص مستقرکننده سلاح خودکار مسئول شناخته شود. در واقع رابطه بین سلاح خودکار و رزمندگان و یا مبارزان باید بر کنترل و وابستگی مبتنی باشد. یعنی کارکرد سلاح خودکار باید وابسته به کاربر انسانی برای اجرای تصمیم‌گیری‌های حیاتی باشد. در واقع یکی از عوامل مهم و ضروری برای ایجاد رابطه‌ای مبتنی بر کنترل و وابستگی بین تسلیحات خودکار و رزمندگان، این است که باید نقش انسان برای تصمیم‌گیری در مورد عملکردهای مهم حفظ شود. از این رو از آنجا که تصمیم‌گیری نمی‌تواند خودکار یا از پیش‌برنامه‌ریزی شده باشد، انسان باید در زمان نهایی در تصمیم‌گیری مشارکت کند. در نتیجه اقدامات سامانه‌های تسلیحاتی خودکار، باید از افکار کاربر و یا رزمنده مستقرکننده آن نشأت گرفته باشد (چنگیت^۳، ۲۰۱۶: ۴۳). «کمیتة مشورتی موضوعات حقوق بین‌الملل عمومی»^۴ معتقد است ارزیابی کنترل معنی‌دار انسان باید بر تمام مراحل هدف‌گیری متمرکز شود؛ زیرا در به‌کارگیری آنها، قصد انسان نقش حیاتی دارد (شورای مشورتی در امور بین‌المللی، ۲۰۱۵: ۳۳).

علاوه بر کنترل معنی‌دار انسان، مفاهیم دیگری مانند تصمیم‌گیری و پیش‌بینی وجود دارد که می‌تواند نقطه شروع برای بررسی جنبه‌های حقوقی و اخلاقی استقرار سلاح خودکار در نظر گرفته شود، مفهوم تصمیم‌گیری عنصری ضروری از کنترل معنی‌دار انسان است. بر اساس آن، فرد مسئول تصمیم می‌گیرد که آیا باید در یک وضعیت خاص وظیفه انتخاب اهداف را به انسان واگذار کند، یا می‌توان آن را به سلاح خودکار واگذار کرد. پیش‌بینی نیز جنبه دیگری از مفهوم کنترل معنی‌دار انسان است که انواع مختلفی دارد. پیش‌بینی رفتار یک سلاح خودکار؛ که طبق آن پیش‌بینی خواهد شد که چه اتفاقی ممکن است رخ دهد. هم‌چنین، پیش‌بینی محیطی که سلاح در آن به‌کار گرفته می‌شود، عامل

1. Horowitz
2. Scharre
3. Chengeta
4. Advisory Committee on Issues of Public International Law, (CAVV).



مهمی است که توسط فرمانده تعیین می‌شود و فرمانده را به سوی اتخاذ اقدامات احتیاطی سوق می‌دهد. برای نمونه در محیط‌هایی که تعداد زیادی از غیر نظامیان و اهداف غیر نظامی وجود دارد، افراد بیشتری در معرض خطر و آسیب قرار می‌گیرند، و از عواقب مورد انتظار یا غیرمنتظره به کارگیری این نوع سلاح رنج خواهند برد (شورای مشورتی در امور بین‌المللی، ۲۱۵: ۳۳). بنابراین، به نظر می‌رسد «اجماع بین‌المللی در حال ظهور، بر سودمندی مفهوم کنترل معنی‌دار انسان به عنوان معیاری برای تمایز بین انواع تسلیحات خودکار قانونی و غیرقانونی تأکید دارد» (هینز، ۲۰۱۵). در واقع، مفهوم کنترل معنی‌دار انسان موجب اعمال مسئولیت کیفری در خصوص افراد مرتبط با به کارگیری وسایل بدون سرنشین خودکار خواهد شد.

مسلماً، اگر اطمینان کافی از رعایت اصول بنیادین حقوق بشردوستانه توسط سلاح خودکار وجود نداشته باشد، طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه به کارگیری آنها نامشروع است. بدیهی است، در صورت به کارگیری آنها و نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه، موضوع مسئولیت مطرح می‌شود و به سادگی به یک مرحله قبل و به یک حلقه گسترده‌تر انتقال می‌یابد. در این حالت کسانی که در عمل وسایل را فعال کرده‌اند، مسئول هستند و شاید مسئولیت به فرمانده‌ای منتقل شود که تصمیم به استقرار سلاح خودکار گرفته است (شورای مشورتی در امور بین‌المللی، ۲۰۱۵: ۲۷). روشن است که دستگاه خودش مسئولیتی ندارد. اما یک زنجیره علت و معلول طولانی همراه با ربات وجود دارد؛ از جمله فرمانده، رزمنده و کاربر، وزارت دفاع، برنامه‌نویس و تولیدکننده (شارکی^۱، ۲۰۰۸: ۸۸). از همین‌رو انسان، حداقل برای یک دهه آینده در حلقه‌های گسترده‌تر حضور دارد و هم‌چنان در تصمیم‌گیری و گسترش سلاح‌های خودکار در محیط‌های خاص نقش‌آفرینی می‌کند و همواره عامل انسانی در انتخاب سلاح و تعیین اهداف براساس معیارهای از پیش برنامه‌ریزی شده، وجود دارد (شورای مشورتی در امور بین‌المللی، ۲۰۱۵: ۲۷). در نتیجه «جرائم در قلمرو حقوق بین‌الملل، توسط افراد و نه توسط موجودیت‌های انتزاعی ارتکاب می‌یابد، و تنها با مجازات افرادی که مرتکب چنین جنایاتی شده‌اند، مقررات حقوق بین‌الملل قابل اجرا است» (زمانی، ۱۳۹۵: ۱۴)؛ بنابراین، مسئولیت همواره بر فعل یا ترک فعل فرد، ترسیم می‌شود.

قابلیت انتساب مسئولیت کیفری فرد هنگام به کارگیری وسایل بدون سرنشین

قواعد حاکم بر حقوق بین‌المللی کیفری بر این واقعیت بنا شده است که هیچ فردی را نباید مسئول دانست به علت عمل غیر قانونی که نه مرتکب شده، و نه در برنامه‌ریزی

اجرای آن مشارکت داشته است. در نظام حقوقی بین‌المللی موقعیت‌هایی است که در آن مسئولیت «فرد» به‌طور مستقیم مطرح می‌شود. این مسئولیت فردی، امکان محاکمه و مجازات افرادی را فراهم می‌کند که از قواعد این نظام حقوقی تخلف می‌کنند. حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌عنوان یکی از زمینه‌های اصلی طرح این نوع مسئولیت فردی در حقوق بین‌الملل است. این حقوق نه تنها دولت‌ها بلکه افراد را هم متعهد به اجرای آن می‌کند و هر فرد را به‌تنهایی مسئول رعایت مقررات می‌داند. بنابراین حقوق بین‌الملل بشردوستانه در کنار قواعد نظارت و کنترل مربوط به دولت‌ها برای اجرای مؤثر این حقوق، قاعده‌ای کلی را وضع می‌کند که طبق آن هر فرد مرتکب تخلف از مقررات بشردوستانه مسئول آن تخلف است و مستوجب مجازاتی است که حکم آن را حسب مورد، دادگاه ملی یا مرجع قضایی بین‌المللی اعلام می‌کند (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۴: ۱۸۶). افراد در برابر جنایات جنگی که خود مرتکب می‌شوند یا دستور ارتکاب آن‌ها را می‌دهند یا در ارتکاب آن‌ها به دیگران کمک می‌کنند مسئول هستند. ماده ۷ اساسنامه «دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق»^۱ و ماده ۶ اساسنامه «دیوان بین‌المللی کیفری رواندا»^۲ و ماده ۲۵ اساسنامه «دیوان بین‌المللی کیفری»^۳ مقرر می‌دارد، شخصی که به برنامه‌ریزی تحریک‌آمیز یا انجام جرمی مبادرت ورزیده یا از طریق دیگر در برنامه‌ریزی و فراهم کردن زمینه یا انجام کمک یا مشارکت کرده باشد در برابر آن جرم به‌طور فردی مسئول است (پ. و، پل مالرب، ۱۳۸۷: ۳۲۶ - ۳۲۵). این ماده، یکی از اصول اساسی حقوق کیفری بین‌المللی یعنی اصل مسئولیت کیفری فردی را پذیرفته است. مطابق این ماده، دیوان نسبت به جرائم ارتكابی اشخاص حقیقی خواه به‌تنهایی یا همراه با شخص دیگر (معاونت یا مشارکت)، صلاحیت دارد و به‌هیچ‌وجه یک شخص را به‌واسطه دارا بودن سمت رسمی از مسئولیت کیفری، معاف نخواهد کرد (رضایی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۸۹).

در عملیات‌های وسایل بدون سرنشین، مسئله اصلی اثبات مسئولیت کیفری فرد است. اساساً مسئولیت کیفری در مورد به‌کارگیری وسایل بدون سرنشین مانند دیگر تسلیحات در مورد کسانی مطرح می‌شود که در یک پیامد غیرقانونی مشارکت داشته‌اند. به‌طور کلی قواعد حقوقی بنیادین، در مورد امکانات موجود و وابسته به مکان، یکسان است. اما، وقتی خطر کنترل و یا مسئولین نامعلوم و یا غیرقابل شناسایی باشند، در پرتو نظام حقوقی مبتنی بر اصول کلی، نمی‌توان به‌طور واضح مسئولیت کیفری فرد را شناسایی کرد. البته، به این معنی نیست که هیچ خطری برای مسئولیت وجود ندارد. بلکه بحث اصلی بر سر

1. International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia

2. International Criminal Tribunal for Rwanda

3. International Criminal Court



رابطه بین علت و معلول مستقیم است. اما روش‌هایی برای تعیین درجه‌هایی از مسئولیت وجود دارد. واقعیت این است که هیچ دیوانی هنوز تسهیم مسئولیت را در زمینه حقوق مخاصمات مسلحانه تعیین نکرده است. برای نمونه طراحان و متخصصان، سخت‌افزار و نرم‌افزار تولید می‌کنند، و فرماندهان مأموریت کمی را بر عهده دارند، و به این معنی نیست که نمی‌توان مسئولیت را بر حقوق رایجی که داریم بنا نماییم. در واقع اگر نتوان کاربران خط مقدم را مسئول اقدامات سامانه‌های تسلیحاتی خودکار دانست، پیشنهاد شده است که مسئولیت را می‌توان به مهندسان، برنامه‌نویس‌ها، و طراحانی منتقل کرد که سامانه را ایجاد کرده‌اند. برای نمونه «سینجر استدلال می‌کند: درست است که سامانه خودکار است؛ اما کسانی که در ایجاد آن نقش داشته‌اند، هنوز مسئولیت ناشی از برخی اقدامات آن‌را بر عهده دارند» (گروت، ۲۰۱۳: ۱۶).

«اشمیت»، نیز استدلال کرده است که صرف این واقعیت که انسان ممکن است در کنترل دستگاه تعامل ویژه‌ای نداشته باشد، به این معنا نیست که هیچ انسانی مسئول اعمال سامانه سلاح خودکار نیست. او استدلال می‌کند که ربات توسط فرد برنامه‌ریزی شده است، و همیشه یک انسان به‌عنوان ناظر و مسئول برای هرگونه جرم ارتكابی وجود دارد، که این رویکرد مورد انتقاد قرار گرفته است (چنگیت، ۲۰۱۶: ۳۲). بنابراین، در ارتباط با وسایل بدون سرنشین، ممکن است افراد زیر به‌عنوان مسئول شناخته شوند:

مسئولیت برنامه‌نویس و شرکت تولیدکننده

اساساً اشخاص حقیقی در هر حال عامل یا مباشر جرم یا جنایت بین‌المللی، از جمله جنایت جنگی به‌شمار می‌روند و درنهایت از نظر بین‌المللی مسئول و مستحق مجازات‌اند.^۱ نکته مهمی که وجود دارد این است که ویژگی شخصی این‌گونه افراد از هر قبیل که باشد، تأثیری در مسئولیت کیفری آنان ندارد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۴: ۳۵۱). علاوه بر این مسئولیت کیفری فردی، به ارتکاب موارد نقض جدی منحصر نبوده و هرگونه تلاش را به‌منظور ارتکاب، کمک، معاونت، طراحی یا ترغیب انجام آنچه جنایات جنگی محسوب می‌شود نیز در بر می‌گیرد؛ البته سایر موارد نقض چارچوب حقوق بین‌المللی بشر دوستانه که نقض عمده به‌شمار نمی‌رود نیز مشمول تنبیه‌های انضباطی است (زمانی، ۱۳۹۵: ۱۴). از این‌رو در حقوق بشر دوستانه طرح مسئولیت کیفری در مورد فعل و یا ترک فعل هر فردی که موجب نقض قواعد اساسی حقوق بشر دوستانه می‌شود، از جمله رزمنده، فرمانده، برنامه‌نویس، طراح و... مورد پذیرش واقع شده است.

۱. مواد ۷۵ (۴)، ۸۶ - ۸۷ پروتکل الحاقی اول؛ ماده ۶ (ب) ۲ (ب) پروتکل الحاقی دوم، ماده ۲۵ (۲) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در زمینه مسئولیت کیفری وسایل بدون سرنشین مطرح است، طرح مسئولیت بالقوه علیه طراحان و برنامه‌نویسانی است، که ممکن است با نوشتن الگوریتم‌هایی به ارتکاب جنایت جنگی منجر شوند. در این زمینه، تمایز بین مسائل پیچیده در طراحی و برنامه‌نویسی وسایل بدون سرنشین، و شیوه‌ای که آنها به کار گرفته می‌شود، حائز اهمیت است. اگر سامانه به‌درستی طراحی و برنامه‌ریزی شده باشد، اما سوء استفاده کاربر به ارتکاب جنایت جنگی منجر شود، هیچ مسئولیتی علیه طراح یا برنامه‌نویس وجود ندارد (نوریس^۱، ۲۰۱۳: ۷۲). اما برنامه‌نویس یا طراح به‌علت طراحی و یا برنامه‌نویسی اشتباه و یا نقص در برنامه‌نویسی، در برابر وسایل بدون سرنشینی که مرتکب جنایت جنگی و نقض حقوق بشردوستانه می‌شود، مسئول خواهد بود (قاسمی، ۲۰۱۴: ۳۶). به عبارتی دیگر تولیدکننده یا برنامه‌ریز ربات به‌علت تولید عمدی سامانه تسلیحاتی خودکاری که مرتکب جنایت جنگی شده است، مسئول شناخته می‌شود (اسلامی و انصاری ۱۳۹۶: ۱۵۷). در واقع هنگامی که برنامه‌نویس به‌طور ارادی الگوریتم‌هایی می‌نویسد که به ربات نظامی اجازه حمله به افراد غیرنظامی را می‌دهد، مسئولیت کیفری برنامه‌نویس به‌آسانی قابل احراز است. اما هنگامی که افراد مزبور، قصد ورود زیان ندارند، تعقیب آنها دشوار خواهد بود (رنجبریان و بذار، ۱۳۹۷: ۷۸). اما نباید از این نکته غافل شد که اتخاذ اقدامات احتیاطی هنگام به‌کارگیری ربات نظامی شامل همه افراد مرتبط با آنها می‌شود.

در واقع هنگام بحث و تبادل نظر در زمینه مسئولیت برنامه‌نویس یا طراح ربات نظامی، ذهن به افراد غیرنظامی معطوف می‌گردد. براساس این ذهنیت، برنامه‌نویس یا طراح باید همواره به‌عنوان یک غیرنظامی و فردی در نظر گرفته شود که نمی‌خواهد و نباید ارتباطی با جنگ داشته باشد. اما در طول سال‌های اخیر ظهور ربات‌های نظامی به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور به این منجر شده است که برنامه‌نویسان و تولیدکنندگان نقش بیشتری در تغییر سلاح‌ها و سامانه‌های تسلیحاتی ایفا کنند و باید عملکرد آنها را یکی از معیارهای انطباق با حقوق بین‌الملل بشردوستانه در نظر گرفت. البته بایستی بین برنامه‌نویسان نظامی و غیرنظامی تفاوت قائل شد؛ اگر کنترل‌کنندگان از راه دور و یا برنامه‌نویسان به‌طور منظم از نیروهای مسلح پیروی کنند، اساساً مسئولیت کیفری آنها به‌خاطر این نقض چه در اثر قصور و یا اشتباه باشد محرز است، و تفاوتی در اصل موضوع و مسئولیت کیفری برنامه‌نویس ندارد.

بنابراین، چنانچه عمل غیرقانونی توسط سامانه خودکار در اثر نقص در طراحی و یا برنامه‌نویسی ارتکاب یابد، برنامه‌نویس یا طراح پاسخگو است. در واقع اقدام برنامه‌نویس پایه

1. Norris



و اساس عملکرد وسیله بدون سرنشین است. البته این نکته را نباید فراموش کرد که سامانه خودکار تصمیم خود را در میدان جنگ می‌گیرد؛ اما ممکن است برنامه‌نویس به‌عنوان مسئول نقض در نظر گرفته شود (ورسچورن، ۲۰۱۲ - ۲۰۱۳: ۹۳ - ۹۴).

علاوه بر این، بسیار مهم است که بین مسئولیت برنامه‌نویس به‌علت نقض عمدی و پاسخگویی آن به دلیل اشتباه غیرعمدی تفاوت قائل شد (اندرسون^۱، ۲۰۱۴: ۵۵). به‌عبارتی اگر برنامه‌نویس به‌واسطه اشتباه به این نقض منجر شده باشد، شایسته این مجازات نیست، و درنهایت جریمه مالی توسط شرکت بیمه پرداخت می‌شود. اما تعدادی از محققین در این نظر و ادعا تردید دارند. همان‌گونه که «بیل جوی»^۲ اظهار داشت، هنگامی که پیامدها آشکار است، متخصصان باید به‌صورت شفاف مسئولیت پیامد اکتشاف خود را بر عهده بگیرند (گروت، ۲۰۱۳: ۱۶). درواقع، زمانی که برنامه‌نویس، تمام حالت‌های معمول را برای ربات تعریف می‌کند، اما وضعیت‌های غیرقابل پیش‌بینی مانند تغییرات زیست‌محیطی سبب رفتار متخلفانه ربات می‌شود، تأثیر چنین عواملی در مسئولیت فردی برنامه‌نویس لحاظ می‌شود؛ زیرا «امکان پیش‌بینی»، پیش‌شرط مجرم‌بودن است. این شرایط غیرقابل پیش‌بینی را نباید با اختلالات مکانیکی ربات خلط کرد، که سبب اشتباه در تصمیم‌گیری آن می‌شود.

بنابراین، علت و سبب سوء رفتار ربات نظامی، در تعیین فرد مسئول بسیار کمک خواهد کرد. بدون شک، اختلالات فنی و مکانیکی قابل انتساب به تولیدکننده، استفاده نادرست از ربات مربوط به فرمانده و برنامه نادرستی که به ربات داده می‌شود، موجب مسئولیت برنامه‌نویس خواهد بود. دقیقاً به‌خاطر اهمیت تعیین سبب رفتار ربات بود که «رونالد آرکین»^۳ در حال تولید نرم‌افزاری با نام «مشاور مسئولیت»^۴ است که به‌طور تخصصی تعیین می‌کند که آیا ربات نظامی به‌طور غیرقابل انتظار رفتار کرده یا فرمانده نظامی برخلاف حقوق مخاصمات مسلحانه از آن استفاده کرده است (رنجبریان و بذار، ۱۳۹۷: ۷۸).

در کنار مسئولیت برنامه‌نویس، طرح مسئولیت علیه تولیدکننده مطرح شده است که در این زمینه دیدبان حقوق بشر بیان می‌کند، این راه حل به‌مراتب بسیار بدتر از طرح مسئولیت علیه برنامه‌نویس است (اچ. آر. دلیو، ۲۰۱۲: ۴۴). طبق قاعده کلی حقوق بین‌المللی، شرکت‌ها نمی‌توانند مسئول رفتار غیرقانونی‌شان طبق حقوق بشر دوستانه باشند. با وجود این، مسئولیت کیفری فرد به‌طور مؤثر در موارد شکنجه و قتل فراقضایی،

1. Andersson
2. Bill Joy
3. Ronald Arkin
4. Responsibility Advisor

خشونت جنسی، بازداشت خودسرانه، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت مطرح شده است. که طبق همین قاعده از شرکت‌های چندملیتی برای درگیر شدن و حضور در مناطقی که نقض حقوق بشر رخ داده است، شکایت شده است. با وجود این طبق حقوق بین‌الملل، هیچ مسئولیتی در برابر این موضوع برای شرکت‌های بزرگ به رسمیت شناخته نشده است (قاسمی، ۲۰۱۴: ۳۹). با این حال، تحمیل مسئولیت بر برنامه‌ریز و تولیدکننده ربات، اقدامی برای جلوگیری از فرار از مسئولیت کیفری فردی است (اچ. آر. دبلیو، ۲۰۱۲: ۴۴). با وجود این، به نظر می‌رسد تلقی برنامه‌نویسان و تولیدکنندگان به عنوان مسئول رفتار غیرقانونی وسایل خودکار، در صورتی که ارتکاب نقض حقوق بشردوستانه در اثر نقص عمدی در برنامه و طراحی وسایل بدون سرنشین خودکار نباشد، نه مؤثر است و نه منصفانه.

راه پیشنهادی دیگر این است که برنامه‌ریز یا تولیدکننده، مسئول مدنی شناخته شود. اما این راه نیز مسئولیت را به صورت قطعی تأمین نمی‌کند. به عنوان مثال در امریکا، معمولاً طرفین قراردادهای نظامی، به خاطر صدمات ناشی از محصولاتشان، مسئول شناخته نمی‌شوند. حتی در صورت امکان شناسایی مسئولیت مدنی برای این افراد، مشکلات عملی جدی در این راه وجود دارد. چنین مسئولیتی عادلانه به نظر نمی‌رسد، چرا که حتی ممکن است برنامه‌ریز یا تولیدکننده سلاح، توان آن را نداشته باشد که آسیب‌های ناشی از ربات خودکار را پیش‌بینی کند. به خصوص در موارد مخاصمه مسلحانه، قربانیان، پرونده‌های مدنی مطرح می‌کنند. در این موقعیت، فرض اینکه تمام قربانیان به ابزارهای تحقق عدالت دسترسی خواهند داشت، غیرواقعی است (اسلامی و انصاری، ۱۳۹۶: ۱۵۶ - ۱۵۸؛ ورسچورن، ۲۰۱۲ - ۲۰۱۳: ۹۵).

مسئولیت رزمنده

اساساً وسایل بدون سرنشین خودکار در دو وضعیت به کار گرفته می‌شود. سناریوی اول وضعیتی است که رزمنده به عنوان کاربر از وسایل بدون سرنشین خودکار به عنوان یک ابزار و روش جنگی استفاده می‌کند. در این صورت، براساس ماده ۳۵ پروتکل الحاقی اول، ارتباط بین رزمنده و وسایل بدون سرنشین خودکار و همچنین چگونگی استفاده از آن تعیین، و وضعیت سلاح نیز براساس ماده ۳۶ پروتکل الحاقی اول قبل از به کارگیری بررسی می‌شود. اگر رزمنده آگاه باشد و یا احتمال آن را بدهد که نتواند وسیله بدون سرنشین خودکار را مطابق با ماده ۳۵ و دیگر اصول بنیادین حقوق بشردوستانه به کار گیرد، رزمنده در برابر استفاده از وسایل بدون سرنشین خودکار مسئول شناخته می‌شود. اما سناریوی دوم زمانی مطرح می‌شود که وسیله بدون سرنشین خودکار خود به عنوان یک رزمنده در کنار دیگر رزمندگان مرتکب نقض حقوق بشردوستانه شود. در این صورت مسئول



تلقی کردن رزمنده به علت اقدامات ارتكابی وسایل بدون سرنشین خودکار و یا دیگر رزمندگان بیهوده به نظر می‌رسد. اما، در صورتی که رزمنده قادر به پیش‌بینی رفتار، و یا متوجه خطا و یا عدم دقت وسایل بدون سرنشین خودکار شود و مانع رسیدن اطلاعات به فرمانده خود شود، مسئول تلقی خواهد شد (قاسمی، ۲۰۱۴: ۳۳).

با وجود این، برخی از محققین استدلال کرده‌اند که تحول در فناوری تسلیحات و ماهیت در حال تغییر جنگ، انسان را در ضعیف‌ترین حلقه در میدان جنگ قرار داده و نقش انسان کاهش یافته است. در مقابل استدلال شده است، حتی با ظهور هواپیماهای بدون سرنشین کنترل از راه دور، هنوز هم می‌توان گفت که سلاح در دست رزمنده است و تصمیم‌گیری نیز توسط وی انجام می‌شود. اما به نظر می‌رسد، نمی‌توان با صراحت این مطلب را در مورد وسایل خودکار عنوان کرد (چنگیت، ۲۰۱۶: ۳۲). نکته حائز اهمیت این است که در حال حاضر در به کارگیری وسایل بدون سرنشین مسلح، علاوه بر اشخاص نظامی از غیرنظامیان نیز استفاده می‌شود؛ اما آنها برای اینکه تحت حمایت حقوق بشردوستانه قرار گیرند، باید به عنوان آن دسته از افراد و یا کارکنانی باشند، که تحت نظر دولت فعالیت می‌کنند. در این خصوص برخی استدلال می‌کنند که باتوجه به پیچیدگی این فناوری‌ها، غیرنظامیان نقش برجسته‌تری در عملیات وسیله بدون سرنشین دارند. باوجود این، حقوق بین‌المللی بشردوستانه قاعده‌ای ندارد که به طور مستقیم این‌گونه عملیات نظامی را تحت‌الشعاع قرار دهد. در نتیجه، افراد غیرنظامی که عملیات با وسایل بدون سرنشین مسلح را انجام می‌دهند، چنانکه به عنوان افراد تحت قرارداد با دولت تلقی نشوند، به عنوان رزمندگان غیر قانونی در نظر گرفته می‌شوند. چنین طبقه‌بندی دارای پیامدهای خاصی با توجه به مسئولیت است. یک مبارز قانونی از هرگونه فرایند تعقیب داخلی برای اقدامات ناشی از نقض هنجارهای حقوقی مبرا است. اما دیگر اشخاص که وسیله بدون سرنشین را به کار می‌گیرند، مستعد ابتلا به تعقیب قانون داخلی نیز هستند. درواقع رزمندگان غیر قانونی بخشی از زنجیره فرماندهی نیستند. آنها از قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه و قواعد اجرایی هیچ‌گونه آگاهی ندارند. علاوه بر این، آنها آموزش ویژه‌ای ندیده‌اند، و این کار موجب بروز مشکلاتی در طول انجام عملیات می‌شود (ورسچورن، ۲۰۱۲ - ۲۰۱۳: ۹۳). البته درخصوص وسایل بدون سرنشین هوایی، در صورت یکسان دانستن آنها با هواپیماهای نظامی دارای سرنشین، می‌توان به استناد ماده ۴ کنوانسیون سوم ژنو، آنها را به عنوان همراهان غیر نظامی هواپیماهای جنگی دانست و حقوق بشردوستانه را بر آنها اعمال کرد.

مسئولیت فرماندهان

مسئولیت فرمان به‌عنوان یک اصل مهم در ارتباط با مسئولیت کیفری فردی است. این رهنامه [دکترین] در مورد تعیین مسئولیت سلسله مراتب فرماندهی هنگام ارتکاب جنایات بین‌المللی است. در صورت وقوع جرم جنایی، فرمانده و مافوق مسئول جنایات جنگی‌ای است که طبق دستور وی اجرا شده است. این قواعد را می‌توان در اسنادی از قبیل پروتکل الحاقی اول، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و دیوان کیفری بین‌المللی روندا یافت؛ علاوه بر این، این قواعد به‌عنوان حقوق بین‌الملل عرفی در نظر گرفته شده، که در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی قابل اجرا است. در واقع یکی دیگر از گزینه‌های طرح مسئولیت علیه عمل غیر قانونی سامانه‌های تسلیحاتی خودکار، طرح مسئولیت فرماندهانی است که در میدان جنگ، سامانه‌های تسلیحاتی خودکار را به کار می‌گیرند. اهمیت موضوع فرماندهی و مسئولیت فرمانده در واحد نظامی تاحدی است که رهنامه [دکترین] مسئولیت مقامات مافوق در ابتدا با رویکرد نظامی پا به‌عرصه وجود نهاد؛ اما امروزه این مفهوم شامل مقامات مافوق غیرنظامی نیز می‌شود و این موضوع در اساسنامه و آرای دیوان‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا به‌صورت بسیار جدی مورد بحث و تحقیق قرار گرفته است (نورا، ۱۳۸۹: ۱۵۷؛ هنرکتر و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۹۰).

اساساً در صورت ارتکاب چنین جرایمی، هم فرمانده‌ای که دستور حمله غیرقانونی را صادر می‌کند، و هم زبردستی که چنین دستوری را اجرا می‌کند، به‌صورت جداگانه و از لحاظ کیفری مسئول خواهند بود (نوریس، ۲۰۱۳: ۷۷). چنین مسئولیتی از طریق زنجیره‌ای از فرماندهی و یا کنترل گسترش یافته است. از این‌رو زبردست، در صورتی که دستور مافوق را برخلاف حقوق مخاصمه مسلحانه ببیند، باید خودداری کند. هر فرمانده‌ای در صورتی که آگاهی واقعی یا ضمنی از جرایم در حال وقوع یا قریب‌الوقوع داشته باشد اما برای جلوگیری از وقوع آن اقدام نکند، یا در مجازات مجرمان کوتاهی کند مسئولیت کیفری دارد. ماده ۲۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مسئولیت فرماندهان را مورد تأیید قرار می‌دهد (پ. و.، پل مالرب، ۱۳۸۷: ۳۲۷). براساس ماده ۲۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، فرمانده نظامی و یا دیگر افراد مافوق نسبت به جرائمی که به‌وسیله افراد زبردست آنها اجرا شده است، - مبنی بر اجرا نکردن اقدامات لازم از سوی فرماندهان به‌منظور جلوگیری از ارتکاب جنایت جنگی یا مجازات‌نکردن اشخاصی که مرتکب این جنایات شده‌اند، یک قاعده پرسابقه حقوق بین‌الملل عرفی است - مسئول هستند؛ البته در صورتی که وی کنترلی را که باید در مورد نیروهای تحت امر خود اعمال می‌کرده، اعمال



نکرده باشد.^۱

بدون تردید قیاس وسایل بدون سرنشین خودکار با رزمنده تحت فرمان فرمانده نظامی چالش برانگیز است. اما آنچه که مسلم است پذیرش مسئولیت فرمانده هم در باب اقدامات زیردستان و هم در باب تجهیزات نظامی تحت فرماندهی وی است، چرا که مسلماً بدون نظر فرماندهی و با همکاری زیردستان، تجهیزات وارد عرصه مخاصمه نمی‌شوند. بر همین اساس مسلماً در عرصه نبرد به‌کارگیری هیچ سلاحی بدون دستور فرمانده امکان‌پذیر نیست. حتی اگر هم بدون اطلاع فرمانده این کار صورت گرفته باشد، باز هم به عدم مسئولیت فرمانده منجر نمی‌شود. براساس ماده ۲۸ بند (۱) (الف) و (ب) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، فرمانده نظامی و یا دیگر افراد مافوق با توجه به اوضاع و احوال قضیه می‌دانسته یا باید می‌دانسته که نیروهای تحت امر او جرم مذکور را مرتکب شده و یا به‌زودی مرتکب خواهند شد و می‌بایست برای جلوگیری از جرم یا منع از اجرای آن، همه اقدامات لازم را که در توانش بوده انجام داده باشد؛ بنابراین به‌طریق اولی، از آنجا که چنین وسایلی فاقد ادراک عقلی و احساسی نسبت به زیردستان تحت امر هستند، فرمانده، برای مراقبت و اتخاذ تمام اقدامات احتیاطی به‌منظور محدودیت و جلوگیری از به‌کارگیری این تجهیزات مسئولیت بیشتری دارد.

بنابراین، در استفاده و به‌کارگیری وسایل بدون سرنشین، قاعده مسئولیت کیفری در مورد هر فرمانده نظامی یا مافوق غیر نظامی که چنین سامانه‌هایی را برای ارتکاب جنایت جنگی به‌کار بگیرد، اعمال می‌شود. برای نمونه، استفاده از «وسیله بدون سرنشین دریایی»^۲ در حمله عمدی علیه کشتی مسافربری حامل غیر نظامیان، موجب می‌شود کسانی که دستور چنین کاری را داده‌اند، و تمام کسانی که به‌صورت زنجیره‌ای از دستور فرماندهی پیروی کرده‌اند، با مسئولیت کیفری برای اعمال‌شان روبه‌رو شوند (نوریس، ۲۰۱۳: ۷۸). بنابراین، فرماندهان نظامی و دیگر مافوق‌ها در استفاده از وسیله بدون سرنشین به‌منظور ارتکاب جنایت جنگی در همه حال با مسئولیت کیفری روبه‌رو هستند؛ به‌ویژه در حالتی که فرمانده می‌بایست از استفاده و به‌کارگیری آنها آگاهی داشته باشد، اما از اتخاذ همه اقدامات لازم و معقول به‌منظور محدودیت، جلوگیری و یا ممنوعیت این تسلیحات کوتاهی کرده است. علاوه‌براین این استدلال که وسایل بدون سرنشین پیچیده و نوین هستند و فرمانده تسلط کافی بر این نوع فناوری ندارد؛ به‌خودی‌خود قابل دفاع نیست و درواقع به‌عنوان موضوعی حقوقی، فرض می‌شود فرماندهان در اجرای عملیات، از درک «معقولی»

۱. پروتکل الحاقی اول ماده ۸۶ (۲)، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق ماده ۷ (۳).



برخوردارند و در تمام موارد باید دانش کافی در اختیار داشته باشند که به آنها اجازه انجام وظیفه قانونی برای اقدام منطقی به منظور شناسایی، جلوگیری، و یا توقف ارتکاب جنایت جنگی را بدهد (نوریس، ۲۰۱۳: ۷۸)^۱. بنابراین در صورتی که این وسایل به نقض حقوق بشردوستانه منجر شود، صرف نظر از پیچیدگی فناوری و یا دیگر شرایط اساسی، مسئولیت فرماندهان نظامی مطرح خواهد شد (توسکانو^۲، ۲۰۱۵: ۷۱).

بالین حال برخی اظهار می‌کنند، اعمال اصل مسئولیت فرماندهی بر وسایل خودکار آسان نیست. مسئولیت فرماندهی احتمالاً زمانی اعمال می‌شود، که فرمانده با آگاهی از توان سلاح خودکار برای کارهای غیرقانونی آن را مستقر کرده باشد. اما یک فرمانده، به علت اینکه ربات را برنامه‌ریزی نکرده است، نمی‌تواند تهدید و یا مشکل وسیله خودکار را پیش از اینکه دستگاه قابلیت خود را برای نقض یک قاعده حقوقی بین‌المللی نشان دهد، شناسایی کند. هم‌چنین، فرمانده به دلیل اینکه وسیله خودکار است، نمی‌تواند بهره‌برداری از آن را تغییر دهد. در نتیجه، بعید است فرمانده مسئول نقض حقوق بشردوستانه ارتكابی توسط وسیله خودکار شناخته شود (ورسچورن، ۲۰۱۲ - ۲۰۱۳: ۹۵). البته شاید در شرایطی بتوان از این نظر پیروی کرد، به‌ویژه هنگامی که وسیله دارای نقص فنی باشد، اما، همان‌طور که گفته شد، مسئولیت فرمانده قطعی است.

اگرچه، برای نظم بخشیدن به این کار، هر دو رهنامه [دکترین] مسئولیت فرماندهی و یا تکلیف به اتخاذ اقدامات احتیاطی در زمینه سامانه‌های تسلیحات خودکار کاربرد دارد، اما سامانه باید امکان پیش‌بینی را داشته باشد. در غیر این صورت فرمانده به‌ندرت در موقعیتی قرار می‌گیرد که از ارتکاب جنایت توسط سامانه آگاه شود یا اینکه تشخیص دهد سامانه در حال ارتکاب جنایت است. اما «مارچنت»^۳ و دیگران اظهار کرده‌اند که این تصور معمولی اشتباه است که ربات‌ها صرفاً جایی انجام وظیفه خواهند کرد که برنامه‌ای برای آنها داشته باشیم؛ بنابراین، چنین اعتقادی به‌شدت قدیمی است. اکنون، برنامه‌هایی با میلیون‌ها خطوط رمز شده وجود دارد که به وسیله گروه‌های برنامه‌نویسی نوشته می‌شود، و هیچ‌یک از آنها نمی‌دانند برنامه بی‌عیب است یا نه؛ بنابراین، هیچ فردی نمی‌تواند تأثیر فرمان صادر شده را با اطمینان کامل پیش‌بینی کند. از همین‌رو سرنوشت برنامه‌های بزرگ ممکن است تأثیر متقابلی بر روش‌های غیرمترقبه و غیرمنتظره داشته باشد (گروت، ۲۰۱۳: ۱۸).

بنابراین، اصل مسئولیت فرمان بر بسیاری از سلاح‌های خودکار اعمال می‌شود. برای مثال، در حالتی که فرمانده از پیش آگاه است که سامانه تسلیحات خودکار به‌طور بالقوه

1. Tallinn Manual on the International Law Applicable to Cyber Warfare, 2013, Rule 24.

2. Toscano

3. Marchent



ممکن است مرتکب رفتار غیرقانونی علیه غیر نظامیان شود و تصمیم به اعزام آن برای اجرای عملیات می‌گیرد، مسئولیت حقوقی فرمانده محرز است (پروتکل الحاقی اول، مواد ۸۶ - ۸۷). بر اساس همین اصل مسئولیت فرمان، امریکا مسئولیت کسانی را پذیرفته است که در عملیات سامانه‌های بدون سرنشین خودکار، مسئول تصمیم‌گیری هستند، (قاسمی، ۲۰۱۴، ۳۵). بنابراین، فرماندهان باید هنگام تصمیم‌گیری در مورد استقرار سامانه‌های تسلیحاتی خودکار، به‌کارگیری آنها را با حقوق بین‌المللی بشردوستانه انطباق دهند. هر فرمانده می‌تواند در عمل مسئول به‌کارگیری بی‌رویه چنین سامانه‌های تسلیحاتی خودکاری باشد. به این علت که، عواملی مانند فاصله بین فعال‌سازی سلاح و حمله واقعی به یک هدف، و هم‌چنین ماهیت پیچیده سلاح‌های خودکار، به خویشتن‌داری بیشتر در استقرار آنها منجر می‌شود (شورای مشورتی در امور بین‌المللی، ۲۰۱۵: ۳۴). بنابراین، اگر وسایل خودکار مانند دیگر رزمندگان تحت امر، در زمره عوامل تحت فرماندهی تلقی شود، مسلماً فرمانده باید از نقض حقوق بشردوستانه توسط ربات یا سلاح خودکار جلوگیری، و یا پیش از وقوع هرگونه نقض قواعد حقوقی، به‌کارگیری آن را متوقف کند. این اقدامات در زمره اقدامات احتیاطی فرمانده پیش از وقوع عملیات نظامی است. درواقع، فرمانده با پذیرش آنها به‌عنوان تسلیحات تحت فرماندهی و به‌کارگیری آنها در عملیات‌های نظامی، مسئولیت به‌کارگیری این وسایل را هم به‌طور ضمنی و هم در مقام عمل مورد پذیرش قرار داده است.

بحث و نتیجه‌گیری

بدون تردید به‌کارگیری وسایل بدون سرنشین یا ربات‌های خودکار در مخاصمات مسلحانه باید با حقوق بشردوستانه منطبق باشد که مواد ۳۵ و ۳۶ پروتکل الحاقی و اصول بنیادین حقوق بشردوستانه مبنای مناسبی برای مشروعیت این تسلیحات خواهد بود. هرچند که انطباق یک سلاح با قواعد حقوق بشردوستانه، به‌منزله این نیست که نقض حقوق بشردوستانه صورت نخواهد گرفت، و این کار کاملاً به روش به‌کارگیری آن سلاح بستگی دارد. اساساً چالش اصلی وسایل بدون سرنشین خودکار، مفقود بودن عامل انسانی در مرحله نهایی عملیات‌های نظامی است که به‌وسیله این وسایل صورت می‌گیرد و همین کار موجب غیر قانونی قلمداد کردن این تسلیحات، قبل از به‌کارگیری می‌شود. به‌نظر می‌رسد، تنها راه حل برای به‌کارگیری این وسایل، اثبات حضور کنترلی - نظارتی انسان در تمام مراحل هدف‌گیری است. بنابراین همان‌طور که بیان شد، آنچه مسلم و محرز است، در تمام مراحل از جمله بررسی، ایجاد، توسعه و گسترش وسایل بدون سرنشین خودکار و نیز



از زمانی که تصمیم به استقرار و هدایت آنها در عملیات‌های نظامی گرفته می‌شود، فرد انسانی در چارچوب تصمیم‌گیری و روند هدف‌گیری باید حضور داشته باشد، تا در صورت تأیید، به‌کارگیری آنها مشروعیت یابد.

نگارنده با تکیه بر مفهوم کنترل معنی‌دار انسان که بر حضور انسان در تمام مراحل، از ایجاد تا به‌کارگیری وسیله خودکار در زمان مخاصمه تأکید دارد، سعی در حل چالش مسئولیت‌گیری داشته است. زیرا حضور انسان نه‌تنها به کنترل سامانه در تمام مراحل و زمان حمله منجر می‌شود؛ بلکه زمینه اعلام مسئولیت‌گیری علیه تمام افراد مرتبط با سلاح، از قبیل؛ برنامه‌نویس، طراح، رزمندگان و فرماندهان در صورت نقض قواعد بنیادین بشردوستانه را فراهم می‌کند. در واقع قاعده اصل کنترل مؤثر و اصل کنترل انسانی یکی از پایه‌های اصلی مسئولیت‌گیری فرد مرتبط با وسایل خودکار است، که همین حضور به این منجر خواهد شد که در عالم واقعیت سلاحی بدون حضور انسان وجود نداشته باشد. مسلماً، در باب مسئولیت‌گیری، فرمانده مسئول مستقیم به‌کارگیری این وسایل خواهد بود، و صرف اختلال در سامانه رباتیک و یا هر عامل دیگر، نمی‌تواند پیوند فرمانده را با این سلاح خدشه‌دار کند. فرمانده با پذیرش این دستگاه در میدان نبرد، مسئولیت خود را به این پذیرش و تصمیم، گره زده است. در واقع او با تصمیم به استقرار و به‌کارگیری این سلاح خودکار، باید تمام اقدامات احتیاطی را برای به‌کارگیری و انطباق این وسایل با حقوق بین‌المللی بشردوستانه به‌عمل آورد. اما در مورد وسیله خودکار، بر مبنای قواعد موجود و به‌علت اینکه وسیله فاقد عنصر روانی و درک و شعور بشری است، طرح مسئولیت، محلی از اعراب ندارد؛ اما در مورد دیگر افراد، از قبیل برنامه‌نویس و طراح چنانکه در طراحی و برنامه‌نویسی کوتاهی عمدی و یا اشتباه صورت گرفته باشد، مسئولیت آن به علت رابطه سببیت محرز است. در واقع، فرد رباتیک که به توسعه این فناوری کمک می‌کند اگرچه مسئولیت کامل بر عهده او نباشد، اما می‌توان به‌منظور جلوگیری از طراحی و برنامه‌نویسی اشتباه، بخشی از مسئولیت را به‌علت نقش این افراد در تولید چنین سامانه‌هایی بر عهده آنها گذاشت، و مطمئناً برای چنین افرادی، تطبیق این وسایل با حقوق بین‌المللی بشردوستانه حائز اهمیت خواهد بود. البته چنانچه برنامه‌نویس یا طراح، عضو و یا وابسته به‌کارکنان نیروهای مسلح باشد، این مسئولیت قطعی خواهد بود. اما در باب مسئولیت شرکت به‌نظر می‌رسد می‌بایست بر مسئولیت مدنی استمرار داشت. علاوه‌براین در تمام مراحل، مسئولیت دولت برای استقرار چنین سلاح خودکاری وجود دارد. در نهایت به‌کارگیری این نوع وسایل بدون کنترل و یا نظارت انسان ممنوع، و بهتر است که سازمان ملل متحد با همکاری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و نهادهایی مانند شورای حقوق بشر و



دیدبان حقوق بشر، جامعه بین‌المللی را به سمتی سوق دهد که بتوان وضعیت به کارگیری این تسلیحات و مسئولیت به کارگیری آنها را در قالب اسناد بین‌المللی، به‌ویژه به‌عنوان یکی از پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون تسلیحات متعارف ۱۹۸۰^۱، قاعده‌مند کنند.

منابع

- اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق (۱۳۹۳)، از حقوق کیفری بین‌المللی، چ چهارم، ترجمه حسین آقائی جنت‌مکان، تهران: انتشارات جنگل.
- اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری رواندا (۱۳۹۳)، از حقوق کیفری بین‌المللی، چ چهارم، ترجمه حسین آقائی جنت‌مکان، تهران: انتشارات جنگل.
- اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (۱۳۹۳)، از حقوق کیفری بین‌المللی، چ چهارم، ترجمه حسین آقائی جنت‌مکان، تهران: انتشارات جنگل.
- اسلامی، رضا؛ انصاری، نرگس (۱۳۹۶)، به کارگیری روبات‌های نظامی در میدان جنگ در پرتو اصول حقوق بشردوستانه، **مجله حقوقی بین‌المللی**، ش ۵۶.
- راجرز پل، مالرب؛ آنتونی، پ. و. (۱۳۸۷)، **قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه**، چاپ دوم، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- رنجبریان، امیرحسین؛ بذار، وحید (۱۳۹۷)، رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه از سوی روبات نظامی خودفرمان و مسئولیت ناشی از اقدامات آنها، **مجله حقوقی بین‌المللی**، ش ۵۹.
- رضایی نژاد، ایرج (۱۳۹۶)، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در جنایات ارتكابی اعضای داعش (تحلیل انتقادی گزارش دادستان دیوان)، **مطالعات بین‌المللی پلیس**، سال هفتم، ش ۳۱.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۹۵)، واگرایی و همگرایی «مسئولیت کیفری فردی» و «مسئولیت بین‌المللی دولت»: تأملی در اوراق پرونده جنگ شیمیایی عراق علیه ایران، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، سال هجدهم، ش ۵۱.
- شریفی طراز کوهی، حسین؛ صیادنژاد، محمدحسین (۱۳۹۹)، اعمال اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر تسلیحات کاملاً خودکار به‌عنوان ابزار نوین جنگی، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۵۰، ش ۲.
- ممتاز، جمشید، رنجبریان، امیر حسین (۱۳۸۴)، **حقوق بین‌الملل بشردوستانه (مخاصمات مسلحانه داخلی)**، نشر میزان، تهران.
- نورا، کارستن (۱۳۸۹)، معیارهای تفکیک بین مقامات مافوق نظامی و غیرنظامی در تصمیمات دیوان بین‌المللی کیفری، ترجمه حسین آقایی جنت‌مکان، **ویژه‌نامه مجله حقوقی بین‌المللی**، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری.

- هنکرت، ژان ماری و همکاران (۱۳۸۷)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، ترجمه امور بین‌الملل قضایی جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ویرایش کتابیون حسین‌نژاد و پوریا عسکری، جلد اول، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.

- Asaro, Peter, (Summer2012), "On banning autonomous weapon systems: human rights, automation, and the dehumanization of lethal decision-making", International Review of the Red Cross, Volume 94 Number 886.

- Andersson, Cecilia, (2014), Killer Robots, Autonomous Weapons and Their Compliance with IHL, JURM02, Graduate Thesis, Master of Laws program 30 higher education credits Supervisor: Markus Gunneflo Semester: VT.

- Advisory council on International affairs, Advisory committee on issues of public International law, (October2015), Autonomous weapon systems the need for meaningful human control, No. 97 AIV / No. 26 CAVV.

- Boothby, William H., (Sanremo, 8th-10th September 2011), "Autonomous systems: precautions in attacks", International Humanitarian Law and New Weapon Technologies, Editor Wolff Heintschel von Heinegg and Gian Luca Beruto.

- Breau, Susan, M. Aronsson, R. Joyce, (June2011), Discussion Paper 2: Drone Attacks, International Law, and the Recording of Civilian Casualties of Armed Conflict, Oxford Research Group.

- Boothby, William H., (2009), Weapons and the law of armed conflict. Oxford University Press, Oxford.

- Chengeta, Thompson, (2016), "Defining the emerging notion of 'Meaningful Human Control' in autonomous weapon systems (AWS)", INTERNATIONAL LAW AND POLITICS, Vol. 49: 833.

- Heyns, Christof, (9Apr2013), Report of the Special Rapporteur on Extrajudicial, summary or arbitrary executions. A/HRC/23/47. at 113.

- comment, (2015), The Case for Regulating Fully Autonomous Weapons, the yale law journal 124:1309.

- Heyns, Christof, (April2015), Comments to the Informal Meeting of Experts on Lethal Autonomous Weapons: Convention on Conventional Weapons, See:

- <<http://www.unog.ch/80256EDD006B8954/httpAssets>>.

- Grut, Chantal, (2013), "The Challenge of Autonomous Lethal Robotics to International Humanitarian Law", Journal of Conflict & Security Law, Vol. 18 No.1.

- Gaeta, Paola, (August 2016), "Autonomous weapon systems and the alleged responsibility gap", ICRC Autonomus Weapon Systems Expert Meeting 2016, International Committee of the Red Cross Geneva, Switzerland.



–Ghasemi, Ajda Hosseini, (Spring2014), Semi-Autonomous Weapon Systems in International Humanitarian Law, JAMM04 Master Thesis International Human Rights Law, Term.

–Hattan, Titus, (2015), “Lethal Autonomous Robots: Are They Legal under International Human Rights and Humanitarian Law?”, Nebraska Law Review, Volume 93, Issue 4: <http://digitalcommons.unl.edu/nlr>

–Hallevy, G., (2011), “Unmanned Vehicles: Subordination to Criminal Law under the Modern Concept of Criminal Liability”, 21 Journal of Law, Information and Science 200.

–Heinegg, Wolff Heintschel von, (Sanremo,8th-10th September 2011), “Concluding remarks”, International Humanitarian Law and New Weapon Technologies, Editor Wolff Heintschel von Heinegg and Gian Luca Beruto.

–Horowitz, Michael C., Scharre, Paul, (March2015), Meaningful Human Control in Weapon Systems: A Primer, Working Paper, Center for a New American Security.

–Human Rights Watch & International Human Rights Clinic, Human Rights Program at Harvard Law School, (November2012), Report on “Losing Humanity: The Case against Killer Robots.” <http://www.hrw.org/sites/default/files/repor>.

–Human Rights Watch, (April 2015), Mind the Gap: The Lack of Accountability for Killer Robots, <https://www.hrw.org/reports/2015/04/09/mind-gap> \t "_blank.

–International Committee of the Red Cross, (2006), A Guide to the Legal Review of New Weapons, Means and Methods of Warfare: Measures to Implement Article 36 of Additional Protocol I of 1977, available at:

–http://www.icrc.org/eng/assets/files/other/icrc_002_0902.pdf, accessed on 30 April 2014.

–Legality of the threat or use of nuclear weapons, Advisory Opinion (1996) ICJ 226.

–Melzer, Nils, Etienne Kuster, (August2016), “International Humanitarian Law Comprehensive Introduction”, International Committee of the Red Cross 19, avenue de la Paix 1202 Geneva, Switzerland.

–MELZER, Nils, (3May2013), Human rights implications of the usage of drones and unmanned robots in warfare, Directorate General for External Policies of the Union Policy Department, Editorial closing date: <http://www.europarl.europa.eu/committees/en/studies.html>.

–Norris, Andrew, (2013), “Legal Issues Relating to Unmanned Maritime Systems Monograph”, U.S. Naval War College, the Department of the Navy, or Department of Defense.

–Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, GA Res 56/83, UNGAOR, 56th Session, Annex, Agenda Item 162, UN Doc A/RES/56/83, 2001.

- Sparrow, Peter, (2007), "Killer Robots", Journal of Applied of Philosophy, Vol. 24, No.1.
- Sparrow, Robert, Lucas, George, (Autumn2016), "WHEN ROBOTS RULE THE WAVES", Naval War College Review, Vol. 69, No.4.
- Schmitt, Michael N., (2013), "Autonomous Weapon Systems and International Humanitarian Law: A Reply to the Critics", Harvard National Security Journal Features, Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2184826>.
- Sharkey, Noel, (2008), "Grounds for Discrimination: Autonomous Robot Weapons", RUSI DEFENCE SYSTEMS, availablea <http://rusi.org/downloads/assets/23sharkey.pdf>, accessed on 2 April 2014.
- Toscano, Christopher, (2015), "Friend of Humans": An Argument for Developing Autonomous Weapons Systems", Laws Of War, Remote Targeting, Vol 8, No 1.
- Tallinn Manual on the International Law Applicable to Cyber Warfare 2013.
- Verschuren, Sanne, (2012 - 2013), the development of unmaned wepans and the challenges for international law, Master Thesis Universiteit Gent Academiejaar.
- White, Stephen E, (2008), "Brave New World: Neurowarfare and the Limits of International Humanitarian La", Cornell International Law Journal, Cornell International Law Journal, Volume 41, Issue 1.
- 1977 Geneva Protocol I Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949.

